

A BOLD NEW ERA

RUCKLEY • HERNANDEZ • WHITMAN • LAFUENTE

TRANSFORMERS®

20 YEARS OF IDW

ISSUE

1

COVER A



داستانی بسیار طولانی...

قبل از اینکه جنگ های بی پایان بین آتوبات ها و دیسپتیکان ها آغاز شود.

قبل از اینکه اوریون پکس ردای آپتیموس پرایم را تصاحب کند.

قبل از اینکه کره زمین درباره موجودات بیگانه رباتیک عجیب تحت عنوان تبدیل شوندگان اطلاعی داشته باشد، صلح حکمفرما بود.

جامعه پابرجا بود.

شگفتی بود.

به ما بپیوندید در رستاخیز دوران جدید ...



>RUBBLE



>BUMBLEBEE



>WINDBLADE



>ORION
PAX



>IRONHIDE



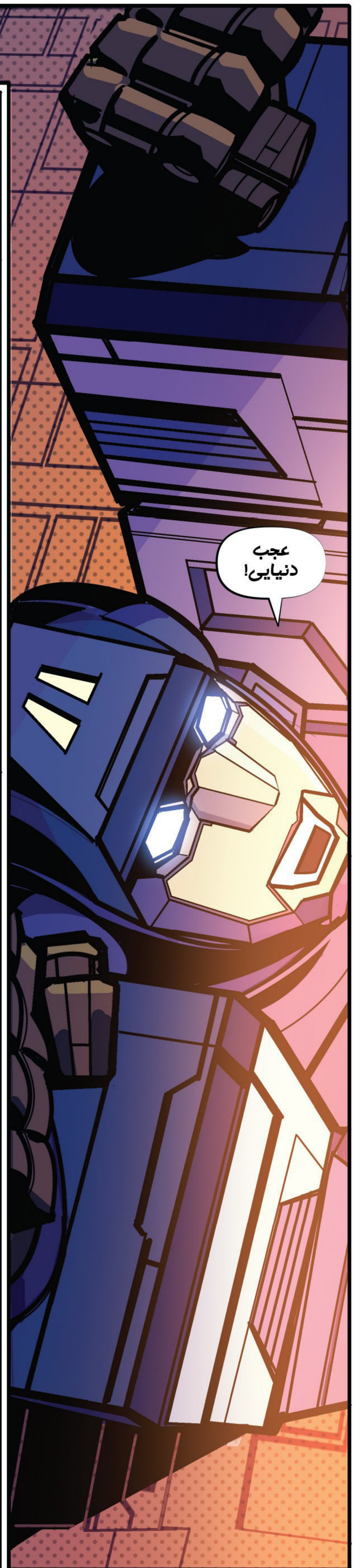
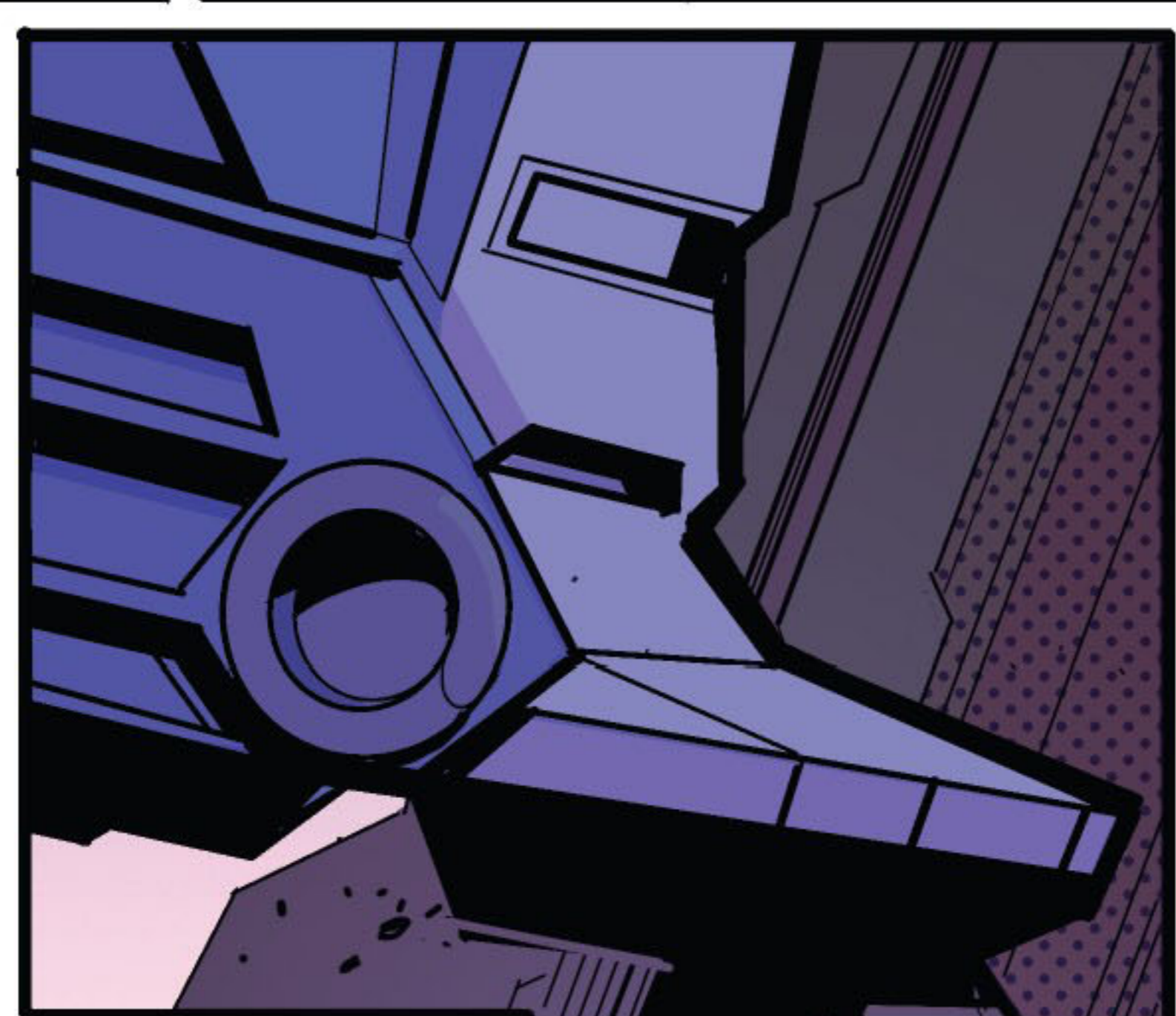
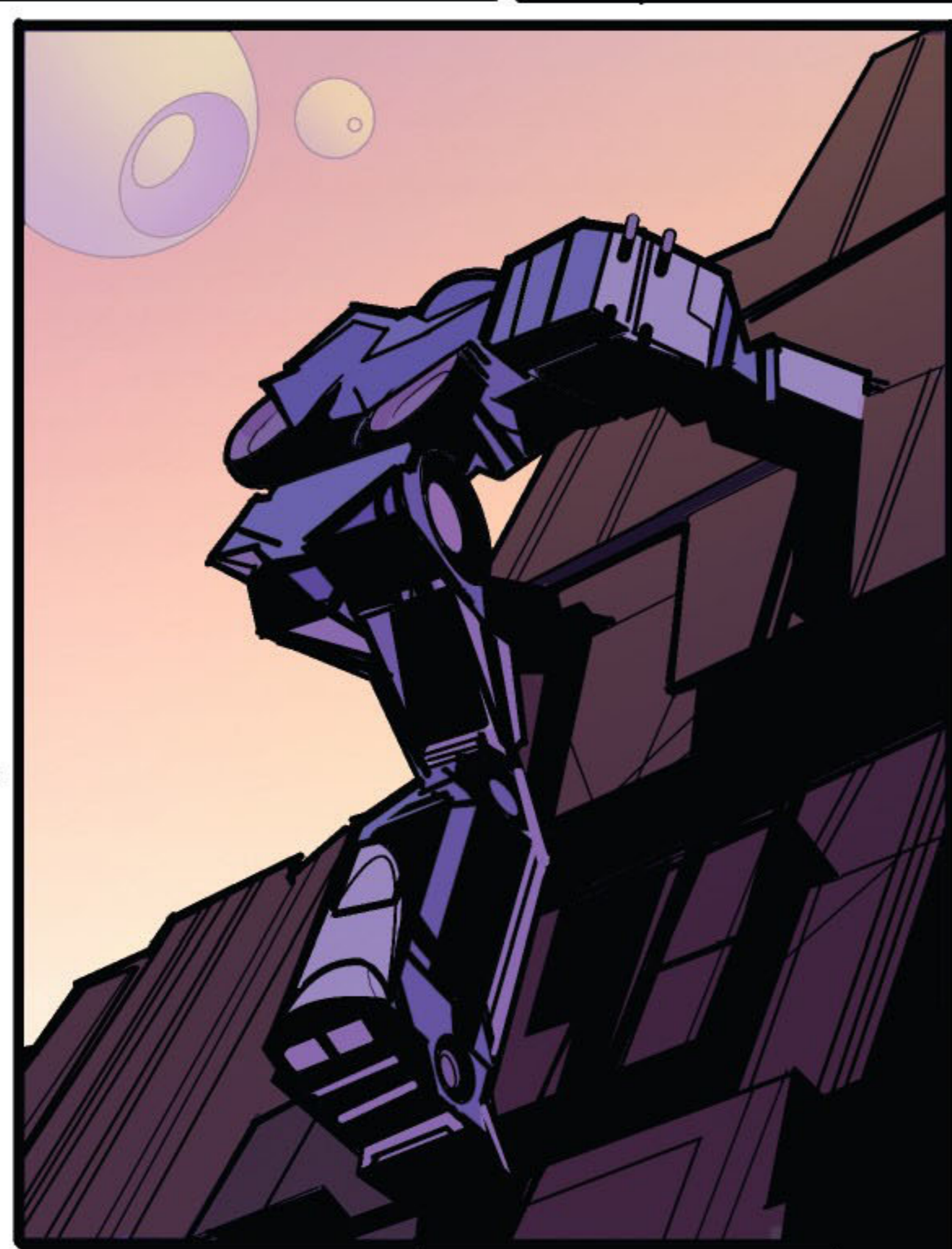
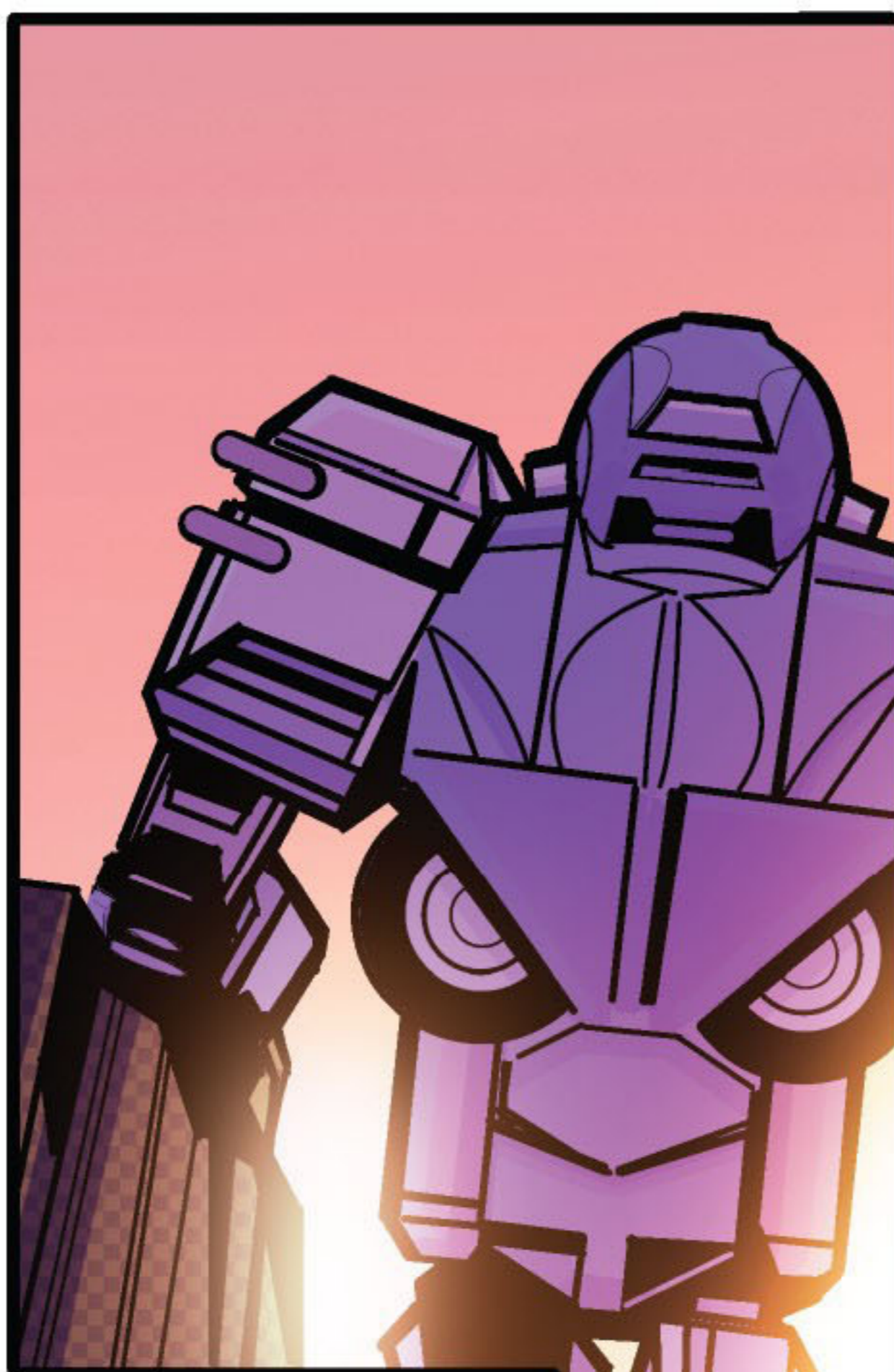
>MEGATRON

”مسئولیت تغییر زندگی تو بر عهده توست.

”اگر اینطور برخورد کنی، چیزی به پیشینیان خودت مدیون نیستی.

”ولی به آنهایی که هنوز شکل نگرفته اند خیلی مدیونی.

”نگذار آنچه موجب شکل گیری تو می شود از دستاوردهای آنها و چیزی که به آن تبدیل خواهند شد جلوگیری کند.”

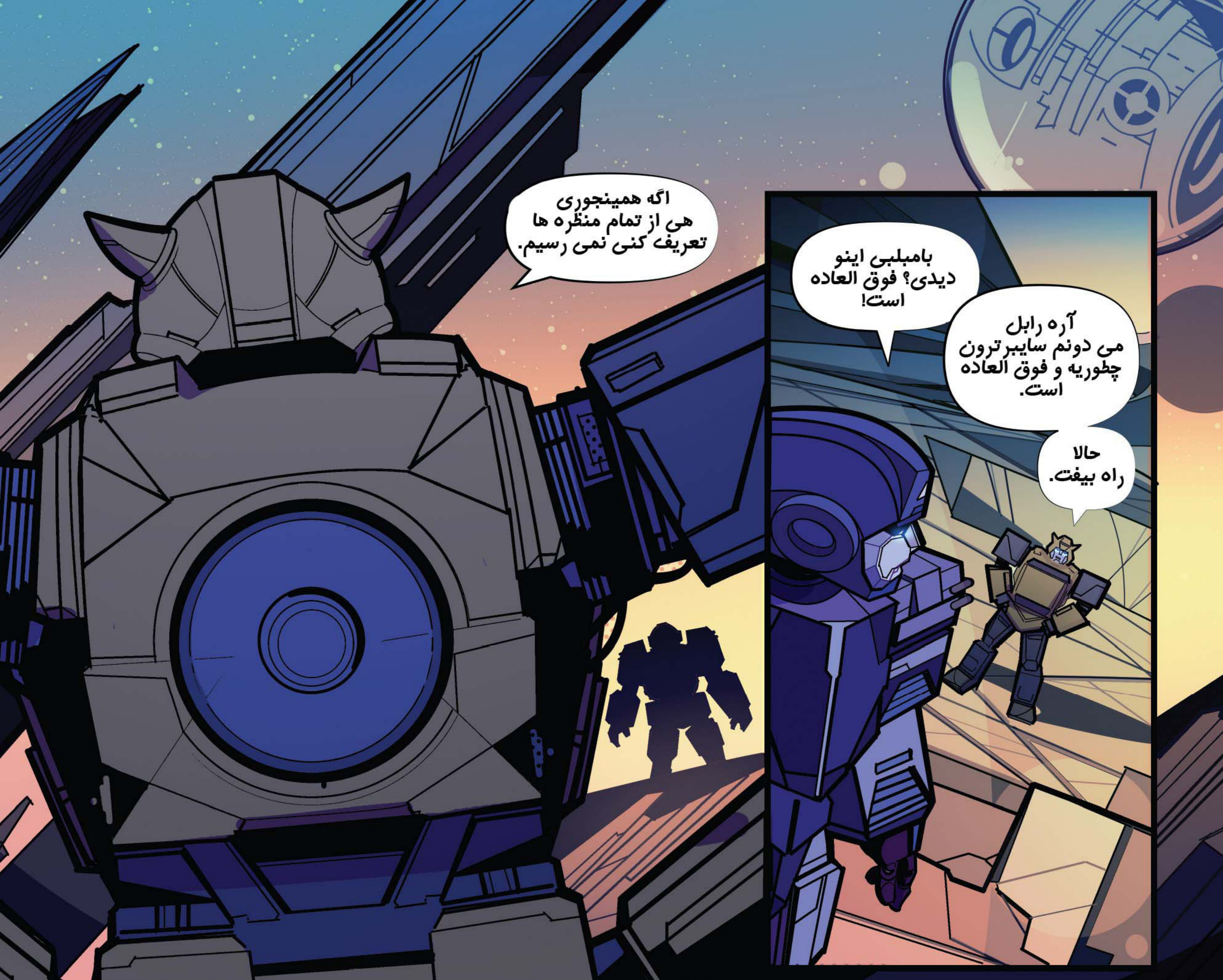


عجب دنیایی!

عجب دنیایی
برای زندگی!

جهان از دریچه چشمان شما

قسمت اول



اگه همینجوری
هی از تمام منظره ها
تعریفه کنی نمی رسیم.



بامبلی اینو
دیدی؟ فوق العاده
است!

آره رابل
می دونم سایبر ترون
چطوریه و فوق العاده
است.

حالا
راه بیفت.



دارم میام!



ممنون.

برین استورم
ممکنه همیشه اسمی
رو یادش نیاد ولی اشتباه ها
تو مغزش حک می شن
انگار با اسید حک
می شن.

پس من
پیشنهاد می کنم
که زیادی دیر
نکنیم.



فکر می کردم
نکته پیاده روی
اینه که من بتونم
همه این چیزها
رو ببینم؟

اولین باره
که از شهر
خارج شدیم
برای همین؟



البته. می دونم که وقتی تازه پا به این دنیا گذاشتی همه چیز برات شگفت انگیزه ولی صدها سال زمان داری تا همه چیز رو ببینی.

یکی از اون دوره های شگفت انگیز همین الانه. داریم می ریم به ایستگاه تبدیل و برین استورم تو رو با شگفتی های مهندسی انرگون آشنا می کنه. خوش به حالت.



دقیقاً
بذار برای آخرین
بار نگاه کنم.

بذار ببینم
این طرف
چی هست!



جدی؟ انگار صدای منو
نمی شنوی؟

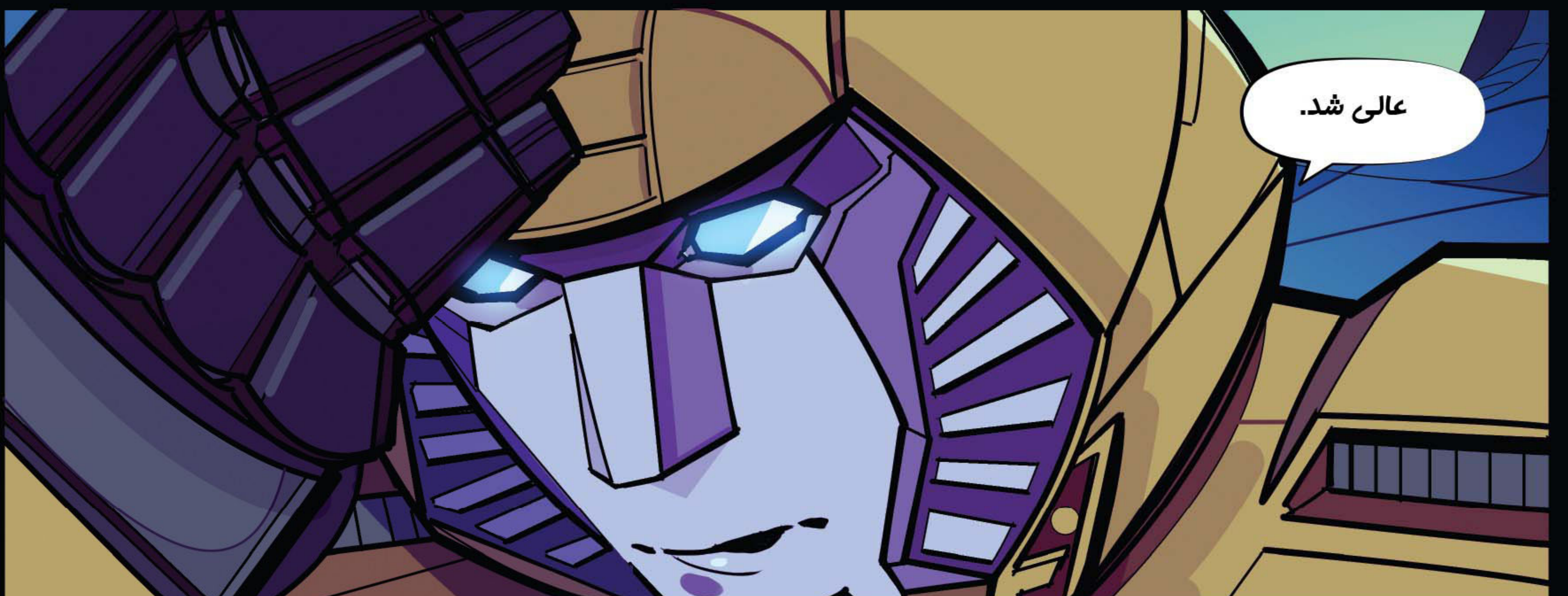
ازت زیادی دورم
که صدامو نمی شنوی
یا چیز دیگه؟



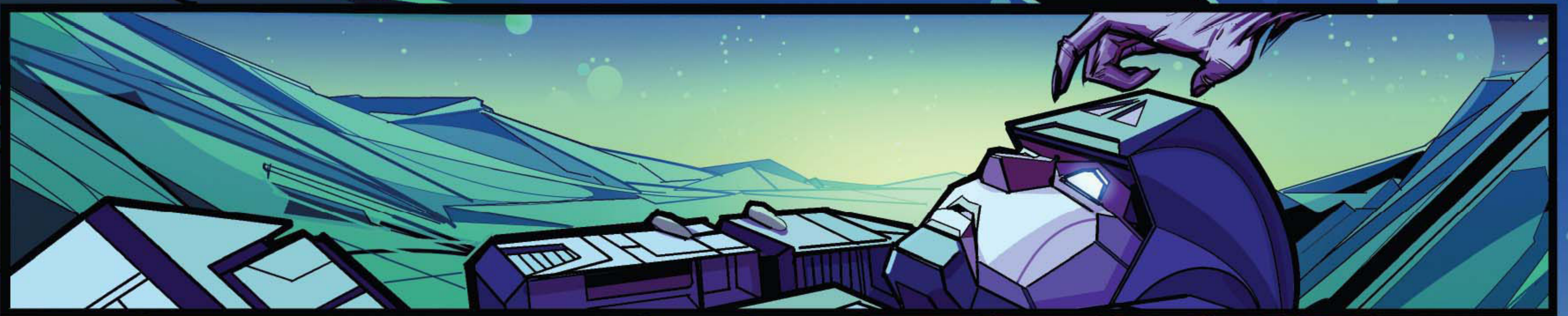
زیباست! صبر
کن فکر کنم چیزی
دیدم...



آه!



عالی شد.

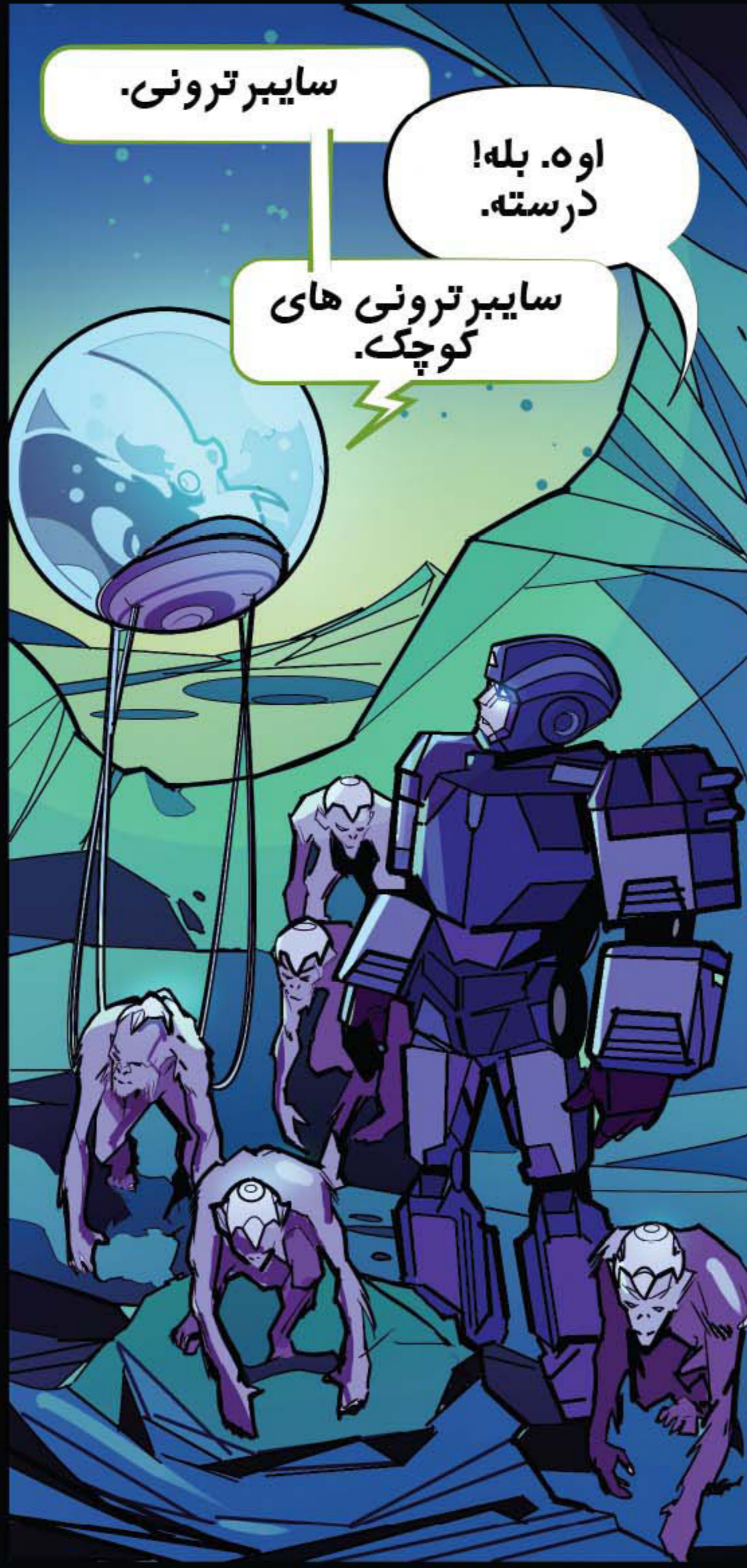


آآآ ههه...
بامبلیس؟





سلام.
اسم من
رابله.



سایبر ترونی.
او.ه. بله!
درسته.
سایبر ترونی های
کوچک.



اینطور فکر
می کنی؟ یعنی
من هنوز همه رو ندیدم
ولی فکر نمی کنم
که من ...



رابل!
حالت خوبه؟



VREESH



WOW.

VREEE CHANG

GRANK

KUNK

THUNK



تو باید رابل باشی. من ویندبلید هستم و از ملاقاتت خوشوقتم.

بله.
یعنی بله من رابل هستم.

این بامبلیبی استاد منه.

اوه بامبلیبی ما همدیگه رو می شناسیم.



رویکرد جالبیه برای آموزش. آوردن شاگرد به اینجا و نشون دادن زباله خوارهای وین.

نظر من نبود.

رابل می خواد با هر چی که می تونه خودش رو آشنا کنه.

بیگانه ها پوشش زمین، گرانش. همه چیز.



خوب اشکالی نداره. شما می خواهید با برین استورم در ایستگاه تبدیل ملاقات کنید درسته؟

ظاهراً مسیر پروازم با شما یکی باشه. گفتم فرود پیام و با شما برم.



عالی می شه!



اون فوق العاده است. خیلی مشتاقه.

حالا کجاشو دیدی.

واقعاً چه خبره بلید؟ یه ایستگاه تبدیل انرگون فرعی جای غیرعادیه برای بازدید عملیات های امنیتی.

برین استورم فعالیت های غیر عادی در دستگاه های نظارتی رو گزارش کرده.

احتمال داره خرابکاری باشه.



صعود؟

از اونجا؟

شاید هم نباشه ولی باید برم چک کنم. جهت احتیاط.

اگه وقتش رسید بیا امیدوار باشیم که اشتیاق این دوست تازه سازت بتونه یه کم مقاومت از خودش نشون بده.

زنده باد تارن!

بنام
ترماگاکس!

بنام او!

پاینده باد
تارن!

زنده باد
تارن؟ دارید
به جای بدتری
می رید متأسفانه.

اور یون
اینجاست.



در چه شرایط روحی؟

خوب یادت میاد که پراول دفعه قبل زیر په دروازه فروریخته بمدت ۱۰ سیکل زمانی گیر افتاده بود؟

یادمه.

نصفه نجات دهندگان اون بعد از اون قضیه درخواست مشاوره امداد کردند.

دو نفر از اونها هنوز نمی تونند بدون یخ زدن اتصالاتشون بهش نزدیک بشن.



دقیقاً. هنوز وضعیت مساعدی نداره و باز هم وضعیت مشابهی می تونه پیش بیاد.

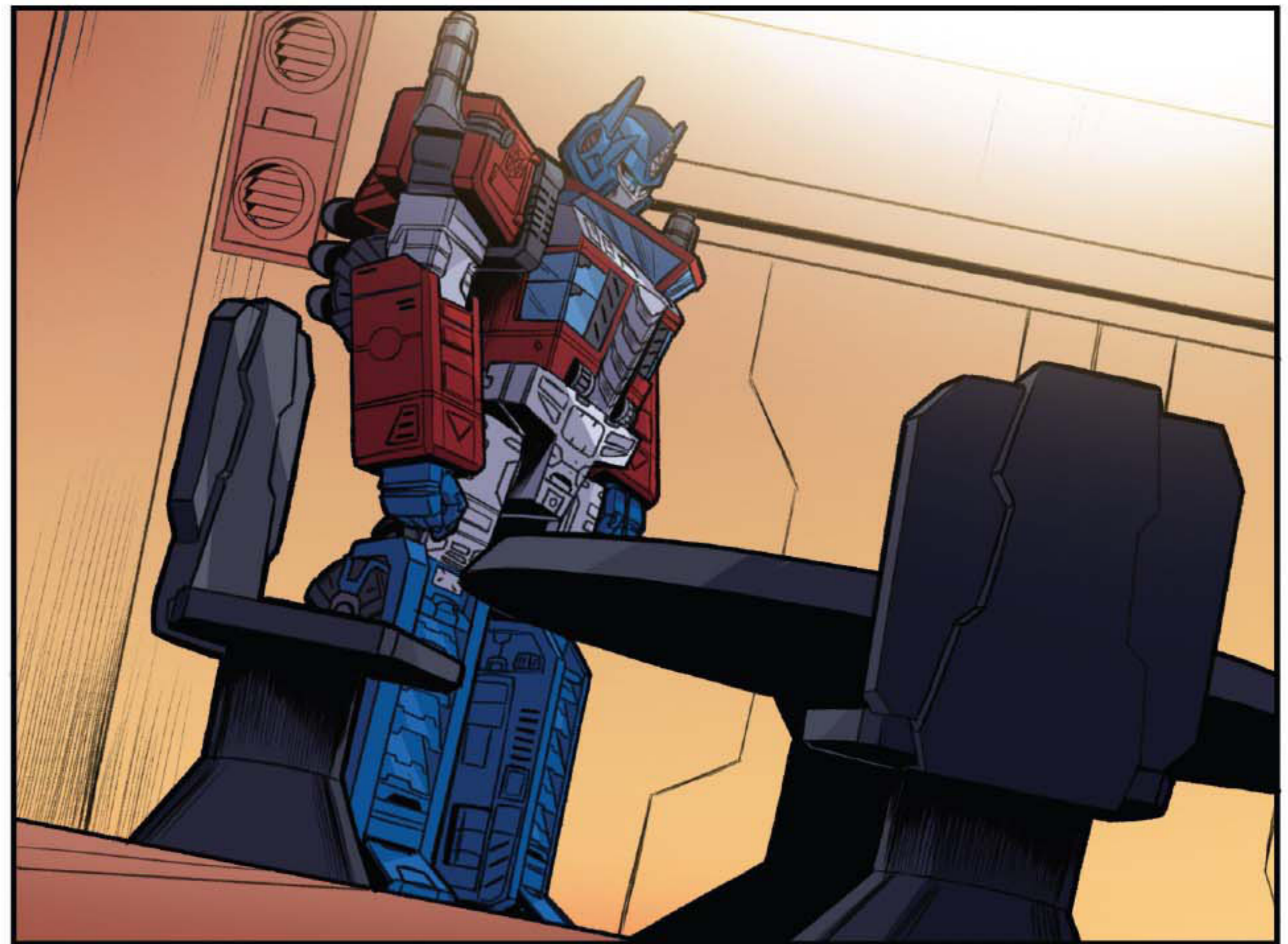
اون ترجیح می ده که با مریدان علاقمندش به سمت تارن بره.

بزودی برش می گردونند آبرونهاید.



واقعاً می خواهی دو تاتون رو با هم تنها بذارم؟

البته. فکر نمی کنم انقدر تنزل کرده باشیم که دو تا سناتور سایبرترون و دو دوست قدیمی نتونند با هم گفتگوی دوستانه ای داشته باشند.



اوریون.

مگاترون.

دوست ندارم
بی خبر به یه جلسه
احضار بشم.

تو احضار
نشدی مگاترون.

تو توسط کسی که بیشتر و
بهتر از بقیه تو رو می شناسه
دعوت شدی.

هر جور دوست
داری تعبیرش کن. ولی
الان کسانی هستند که بیشتر
علاقه داشته باشم در کنار
اونها باشم.

و همینطور
جاهای
دیگه ای.

بیا بشین.
هر چقدر هم که
تضاد نظر داشته باشیم
می تونیم حرف
بزنیم.

من
می ایستم.

بسیار خوب
هر جور
میلته.

می خواستم ازت
بخوام این سخنرانی
رژه یا هر چی برنامه برای
تارن داری به
تاخیر بندازی.

من نه.

رژه صعود
قبلی چند تا
زخمی به جا
گذاشت.

و خساراتی
که هنوز کاملاً
جبران نشده.

حتماً تو هم
نمی خواهی
همچون شرایطی
رو دوباره ببینی.

البته که نه.
ولی چیزهای خیلی
زیادی هستند که من
نمی خوام تو سایبرترون
ببینم اوریون.

تا زمانیکه
من آزادی این کار
رو داشته باشم و دیگران
آزادی شنیدن به توضیح
تغییراتی که لازم می دونم
ادامه خواهم داد.



شاید بخاطر دوستیمون
حداقل بتونی بگی
چه نوع سخنرانی
آماده کردی؟

نوعی از سخنرانی
که من باهش مخالفم
یا نوعی از اون که بعد از
تموم شدن سخنرانی نیاز
به حضور نیروهای امنیتی
هست؟



آزادی هیچکس
زیر سؤال نرفته
مگاترون.

اغراق هاتو برای
کسی نگه دار که
قبول کنه.



بهتره امیدوار باشیم
اولی باشه. ولی مسائل
مربوط به کنترل رو به
خودت واگذار می کنم.

ما اسنتیکان ها
تو این زمینه به اندازه
شما اتوبات ها تجربه
نداریم.



مگاترون بین تاریخ
ساخت من و تو یک
دوره هم تفاوت شاید
نباشه.

ما در یک دوره
زندگی کردیم. ما چیزهای
مشابهی رو تجربه کردیم.
آیا اینقدر از هم
دور شدیم.

تجربیات مشترک
چه اهمیتی دارند
در صورتیکه زندگی ها
متفاوت هستند؟

هیچکس دنیا
رو مثل دیگری
نمی بینه.
هیچکس.



متأسفم.

تونک



بدون
موقفیت؟

به نظر
می رسه گیرافتادن
زیر آوار جواب این
سؤال باشه.



اینجا
رو ببینید!



مایع درخشان در
بافت های سایبر ترون.

سیاره زنده
یادته؟



به نظر
می رسه پیدا کردن
مسیر در تاریکی رو
ساده تر می کنه.

TIC

ما نیاز
به نور در این
زمین ها نداریم!

واو.



می تونم کمی
از اونها رو داشته
باشم؟ باید عالی
باشه!

نمی تونی نظر
بدی تا زمانیکه در
حالتی دیگه تشییع
نشده باشی.

هر چیزی
ممکنه.

به همین دلیله
که وقتی تازه ساخته
شدی، همه احتمالات
رو بررسی می کنی. یعنی
همین کاری که الان
داری می کنی.

با هر کی دوست
داری ملاقات کن و هر
نقشی رو که دوست داری
امتحان کن. ببین
چه چیزی برای زندگیت
مناسب تره..

دنیاپی
از احتمالات پیش
رو داری
رابل.

اونها رو باید
خاموش کنی بی.

غیر از
چیزهایی که روشن
کردی چیز دیگه ای
نمی تونه ببینه.

TIC

شما دو تا خیلی
وقته همدیگه رو
می شناسید، مگه نه؟

شما همیشه
می دوستید
که چی می خواهید
بشید؟



و فکر نکن که تمام انتخاب هایی که الان می کنی برای همیشه ثابت می موند.

ما زیاد عمر می کنیم رابل. در تصمیم گیریها عجله نکن.

من و ویند بلید مدتی طولانی مسئول عملیات های امنیتی بودیم.

الان بیشتر وظایف مربوط به جستجو و نجات رو قبول می کنم. مسائل تغییر می کنند.



این نکته نمی تونه کمکی به بحث ما کنه.

البته، شاید ترک کردن بخش امنیت کاملا انتخاب خودت نبوده باشه.

دارم بهش خلاصه مطالب رو ارائه می دم. و نکته ای که گفتم هنوز سر جاشه.



مسائل تغییر می کنند.



یه ستاره متحرک دیدم. یه ستاره دنباله دار.



اون یه ستاره نیست رابل. یه تایتان خفته است.

”در حقیقت. تعدادی از اونها مترصد این هستند که به محض نیاز فعال بشن، که ده میلیون دوره است که به لطف پرایموس نیازی به این کار نبوده.“

یه سفینه سایبرترونی که ترجیح داده به حالت نیمه خفته در مدار سایبرترون به گردش دربیاد و بخشی از سیستم دفاعی ما باشه.

واقعاً اون بالا خوابیده؟

تصور کن.

یه چیز خارق العاده است مگه نه؟

راه بیفتید! ایستگاه تبدیل کمی جلوتره.

خیلی سنگ ریزه بین دنده هاشه انگار.

دنده های من خوبند ولی داره دیرمون می شه!

و برخورد برین استورم در اینباره می دونی که چیه.

مطمئنم برای جوانتر های سایبرترون کمک هزینه دانشگاه پرداخت می کنه.

رابل در نامساعدترین شرایط روحی برین استورم هم ما رو نجات خواهد داد.

می شه امیدوار بود.

راه بیفتید...

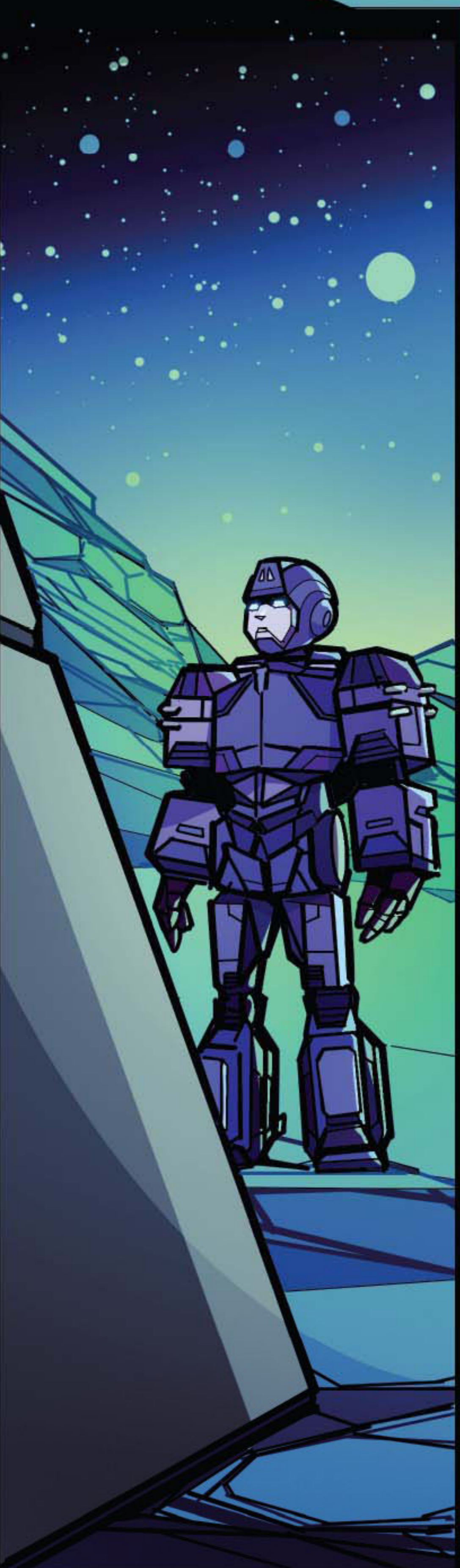
...همینجاست."

وضع برین استورم
اینقدرها هم که من
می گم بد نیست. پس
نگران نباش.

هیچ چیز به
اندازه صحبت در
مورد مهندسی انرگون
خوشحالش نمی کنه.

یه چیزی
درست نیست.

بی، ساختمون
بعدی رو چک کن.
راہل، حرکت
نکن. همینجا
بمون.



برین استورم؟
تویی؟

آآههه...

تات

برین استورم؟

حالت خوبه؟

ادامه داستان تا دو هفته دیگر!

>ART BY GABRIEL RODRÍGUEZ
>>COLORS BY NELSON DÁNIEL



>ART BY FREDDIE E. WILLIAMS II
>>COLORS BY ANDREW DALHOUSE



FREDDIE
WILLIAMS II
House